



# بد گوئی پشت سر مردم

۱۲ - ..... ولایتی پشتکم بضا ایچ احکم ان باکی

لحم اخیما من لکم حصوه و الفواله ان الله یوایدحکم

از اینکه گرفتار نمائید آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت بر او  
خوردند در حالی که مردم است بخوردند ؟ احتیالین . کادرا بدو ایستند  
میباشد (میستیراد مسلمان نیز باشد این عمل است) واد (بخالت)  
خفا یزید . خدا تو پنهان و رحیم است .



داین آیه یکی از بهترین دلائل اخلاقی مورد گفتگو است در ذلهای که قرآن در بیان  
ماهیت و اندازه دشتی آن نموده بر ما به آن به کار برده . بد گوئی پشت سر مردم را مانند  
این دانسته که انسان گوشت بر او مردم خود را بخورد

تنگین ترین عمل ایست که انسان بر بدن مردم بی دفاع بازده مخصوصاً اگر آن مردم بر او  
انسان باشد ، و خصوصاً که تنه او باشد که گوشت بدن او را بخورد ، ان عمل آفتد کسب  
است که از کمتر کسی شرمیزند .

چرا غیبت کردن و بد گوئی پشت سر مردم بیان خوردن گوشت بدن بر او مردم است  
شاید نکته آن ایست که چنین کسی گوشت بر او را بخورد از بین میرود و فرد غیبت کنی آبرو و  
حیثیت او را پایمال میسازد .

مقتضای ارشاد عاقلین عمل برای ایست که : هر دو نفر بر یک فردی دفاع حمله میکنند  
یکی گوشت مردمی را میخورد که مقتضای حسن و قدرت است و دیگر کسی میزند که سلولها  
جمله نیست با از خود دفاع نماید ، و جمله بر یک فرد ناتوان و بی دفاع دشت تر و شکنج  
تر است .

## و عبارت دیگر :

قرآن در این تنبیه و تمثیل بد گوئی پشت سر مردم مانند خوردن گوشت بر او خود  
در حالی که مردم است حیوانات را در نظر گرفته ، و چهار تنبیه و تازی در آن بیان کرده است :

- ۱- مسلمان و برادر منعمین مانند برادر منعمی است .
- ۲- آبرو و حیثیت او مانند گوشت او میباشد .
- ۳- چنین گفتن پشت سر او و آبرو و حیثیت او را بر باد دادند ، بیان خوردن گوشت  
او است .
- ۴- از اینکه او در مجلس حاضر نیست ، و از این حیث ناخوارانه نگاه قائل است ، گوید  
او مانند مردم است که خوردن جمله تر از گوشت باشد .

شاید برای همین مطلب چهارم است که امیر مؤمنان (ع) فرمود بدگو و غیبت کن را انسان  
زبون و بیچاره میخوانند ، زیرا جمله یکی میکند که قدرت دفاع از خود ندارد . چنانکه  
میرزا میگوید : الغیبة جهد العاجز ؛ نیت کردن و بد گوئی پشت سر مردم ، آخرین کوشش شخص  
ناتوان و عاجز است .

### انگیزه های غیبت

یکی از علل و انگیزه های غیبت همان رشک و حسادت است که در دل آدمی است که بد گوئی  
میکند ، زیرا بوقیبت و تحسیت او موجب ناداشی وی گردیده و از این طریق میخواهد از  
تمام بخت او بکاهد .

امام صادق - ع - در کلامی که به مفضل بن عمر فرموده به این انگیزه اشاره میفرماید :  
من روی علی مازن روایت ترید بهاشیته و خدم مرونه لیسخته بن اعین الناس اخرج الله  
من ولاية الی ولاية الشیطان .

یعنی : هر کسی پشت سر مسلمانی برای بیجوشی و بیخوشی آبروی او سخن بگوید ، تا او را  
از مقامی که خداوند بر او مقرر کرده بکاهد ، خدا او را از ولایت خود بیرون راند ، و شیطان را بر او مسلط  
میسازد .

امام صادق - ع - در این روایت دیگری از انگیزه های غیبت که همان رشک برهن بر موقه بنی  
است که افراد جدا اجتماع دارند اشاره نموده است .

گاهی حسد و تمسب ، و احیاناً بغوت و خود خواهی انسان با به این رویه اخلاقی  
سوقه میدهد .

و در روایتی تحت الاسود خشم بر شده ، پس نهی از غیبت وارد شده است ، شاید نظر  
از این ترتیب ، توضیح این نکته است که حسد بود خشم و عوامل بود انگیزه ، برای غیبت میباشد  
اینک متن روایت :

لاتحادوا ولا تبغوا ولا تقربوا: یعنی خدمتورزید. نفس و دشمنی نکنید، و قیامت شما را  
 ضرر های غیبی: بدگویی پشت سر مردم سرورهای فردی و اجتماعی فرادانی دادند، از  
 نظر فردی، بدگویی ستم، برادر مؤمن و سلطان است؛ چنانکه بالا تر از اینست که آبرو  
 و حیثیت با نفرد را که با هیچ چیز قابل جبران نیست پایمال کنند.  
 اما سرورهای اجتماعی بدگویی، در یک قسمت با سرورهای دوست و دلیله گذشته سدیدین  
 و عیبهوی که در روزنامه پیش بلور فرود در پیرامون سرورهای آن بحث شد، مشترک است؛  
 ۱- اشخاص آلوده، با غیبت هرگز روی وحدت و یکا لکن و سمیعت و الفت بوجود نخواهد  
 دید، و یک اشخاص انسانی که باید سراسر عاطفه و رحمت باشد نخواهد بود.

۲- تعاون و همکاری در جنبه های مقدمی اجتماعی بر اساس حسن اعتماد به مردم استوار  
 است. اجتماعی که عیوب مردم را قائل نیسازد، برود داد و ده، ابدان و اعمال آنها بر میدارد، حسن  
 اعتماد را که نایبده حسن ظن به مردم است، ناپود میدهد.

۳- بدگویی پشت سر مردم، آتش کینه و عداوت را دامی میریزد، زیرا شخصی که پشت  
 سر او بدگویی شده، از اینکه از وی قائل شده و آبروی او ریخته است سخت عیبانی میگرد  
 و تصمیم به انتقام میگیرد.

۴- پرده برداری از معاصی و گناهان عیوب مردم، سبب فتنه که آنها اغیار میکنند  
 تا بی پروا انجام دهند زیرا آبرو و حیثیت عیوب را نیست که فرد دست به گناه بزند. و اگر هم  
 بزند بطور مخفیانه و با کمال ترس و ملاحظه دست در گزافه. اگر ما بر اثر بدگویی، پرده از  
 روی اسرار مردم برداریم و حیثیت و آبروی آنها را بریزیم دلیلی نماند که دیگر آنها از  
 مردم ملاحظه کنند.

بسیاری از مردم از ترس زوال حیثیت و آبرو، از یک مسئله جزایم خود را در زمین پنهان  
 و اگر ما این مانع را که در حیثیت یا سحر ما بمعنوی است مشخص است از قسمت دیگر میگردانیم  
 برای اجتناب از عیب و نخواستند بود

علاوه بر این فاش کردن راز مردم، نه تنها موجب حرارت فاعل میگرد بلکه در دشمنان  
 سعید الایمان، ایجاد جرأت کمت به گناه میسازد، و اینگونه غیبتها، سرچشمه اشاعه عیوب  
 و فحشاء خواهد بود.

امام صادق (ع) فرمود: عن قال فی مؤمن یأمره به عیناه او سمعناه اذناه فهو من الدین قال الله  
 عز وجل ان الذین یحبون ان تسبح الفاحشه فی الذین آمنوا الیهم تنذاب الیهم  
 کسانی که در باره مسلمانان آنچه با دیدگان خود دیده، و باها گوش خود شنیده اند،  
 بگویند، آنان از کسانی هستند که خداوند در باره آنها فرموده: کسانی که دوست دارند گناه در  
 میان مسلمانان اشاعه پیدا کند، برای آنها عذابی دردناک است.

امام صادق (ع) در این حدیث به این خرد اجتماعی غیبت اشاره نموده است.